

بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه پایدار اقتصاد محله^۱

بررسی : فعالان اقتصادی محله غیررسمی شمیران نو

سعید شفیعا

کارشناس ارشد مدیریت شهری، دانشگاه علامه طباطبایی
iran_ltd@yahoo.com

چکیده

این مقاله با هدف ارزیابی اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر توسعه پایدار اقتصادی در گروه فعالان اقتصادی^۲ محله غیررسمی شمیران نو واقع در منطقه ۴ شهرداری تهران، طراحی شده است. روش تحقیق از نوع توصیفی، پیمایشی و تحلیلی است و برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه استفاده شده است. هدف اصلی تحقیق، ارزیابی رابطه سرمایه اجتماعی گروه تحقیق با توسعه پایدار اقتصاد محله‌ای است و هدف فرعی، بررسی توانایی روش‌های سنجش مستقیم و غیرمستقیم سرمایه اجتماعی با توجه به داده‌های آماری است. داده‌های آماری نشان داد که دو روش متفاوت ارزیابی سرمایه اجتماعی، توانایی سنجش این مفهوم را دارا می‌باشند و نتایج تأیید نمود که میان سرمایه اجتماعی و توسعه پایداری اقتصادی، رابطه مثبت و معنی‌داری برقرار است. بنابراین، سرمایه اجتماعی بالا وسیله‌ای برای افزایش پایداری اقتصاد محله‌ای بوده و انگیزه‌های اقتصادی گروه تحقیق، عامل مؤثری برای چگونگی این تبدیل است.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، توسعه پایدار اقتصادی، پایداری اقتصاد محله، فعالان اقتصادی، محله غیررسمی

شمیران نو

^۱ این مقاله، بخشی از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نگارنده، با عنوان "رابطه ظرفیت اجتماعی ساکنان سکونت‌گاه‌های غیررسمی با توسعه پایدار محله‌ای" در دانشگاه علامه طباطبایی می‌باشد که با راهنمایی دکتر کاظمیان و مشاوره دکتر قربانی‌زاده صورت گرفته است.

^۲ تمام افرادی که در اقتصاد رسمی و غیررسمی محله مؤثر می‌باشند و به صورت روزانه در محیط محله مشغول فعالیت هستند، فعالان اقتصادی می‌باشند.

مقدمه

محله از دیرباز، مکان سکونت خانوارها و سازنده تعاملات اجتماعی بوده است. هرچند، تحولات صنعتی و پسا صنعتی، در کنار ورود ماشین به شهرها، باعث تغییر الگوی زندگی این سکونت‌گاه‌ها شده است، اما همچنان نزدیک‌ترین سطح کالبدی به زندگی شهری و در تعامل پویا با احساسات و عواطف انسانی می‌باشند. افزایش تقاضا برای مسکن شهری بستر ساز پیشی گرفتن تقاضا از عرضه‌ی مسکن شهری شده است. بنابراین، گروه‌های کم درآمد برای رفع نیازهای خود، محلات بی‌ضابطه شهری را مورد توجه قرار می‌دهند. سکونت‌گاه‌های غیررسمی یا سکونت‌گاه‌های خودروی، نتیجه مشکلات مختلف برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در سطوح خرد، میانی و کلان است که زمینه‌ساز تجمع اقشار کم‌درآمد شهری در یک محدوده کم امکانات و تجهیزات شده است (صرافی، ۱۳۸۱). این محلات که در نمونه‌های متفاوت با تراکم بالای جمعیتی، فقدان تسهیلات و خدمات استاندارد، آسیب‌های محیطی و اجتماعی شناخته می‌شوند (ربانی و کلانتری و یآوری، ۱۳۸۳)، در دوره‌های مختلف توسعه شهری با برنامه‌های سازمان‌های شهری، دستخوش تحول می‌گردند. این محلات هر چند راه چاره‌ای برای خانه‌دار شدن اقشار کم‌درآمد شهری می‌باشند، اما زمینه‌ساز جذب انواع آسیب‌های اجتماعی و ساخت و سازهای غیرمجاز می‌باشند. این محلات ذاتاً مبدأ این آسیب‌ها نمی‌باشند و شرایط خاص اجتماعی و محیطی در شکل‌گیری این آسیب‌ها مؤثرتر می‌باشد. مطالعات اثبات کرده است که، ظرفیت‌سازی در سطح محلی به صورت بالقوه‌ای باعث قدرتمندسازی اجتماعات مردمی برای مقابله با تغییرات اجتماعی و اقتصادی است (Barker, 2005). بنابراین، تمرکز بر کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی در چنین محلاتی، یکی از راه‌های ظرفیت‌سازی مناسب در سطح اجتماعی به حساب می‌آید. در این تعاملات روزانه، کنش‌گران مختلفی حضور دارند که به واسطه انگیزه‌ها، تمایلات و توانایی‌های متفاوت، با استفاده از ابزارهای خاص خود، در اقتصادی محلی اثرگذار می‌باشند. گروه فعالان اقتصادی یا افرادی که با انگیزه کسب منفعت اقتصادی از اجتماع و محیط محله، به صورت روزانه در آن حضور دارند، یکی از کنش‌گران بااهمیت این محلات می‌باشند. اینکه حضور آن‌ها در شبکه‌های اجتماعی، میزان اعتماد آن‌ها به نهادهای رسمی و غیررسمی و هنجارپذیری آن‌ها چگونه باعث تحول در اقتصاد محلی شود، نشان‌دهنده خصوصیات ظرفیتی این گروه اجتماعی است. بنابراین، ارزیابی میزان همبستگی سرمایه اجتماعی به عنوان مهم‌ترین عامل از مفهوم ظرفیت اجتماعی (Coutts; Schäuble, 2008; Lafond; Brown, 2003) و شفیعا، سعید، ۱۳۸۹) با پایداری اقتصاد محلی، منعکس کننده میزان اثرگذاری سرمایه‌های پنهان محلی بر پایداری اقتصاد بخش غیررسمی شهری خواهد بود. این مقاله پس از بررسی مبانی نظری، روش تحقیق و معرفی مدل پژوهش به تحلیل داده‌های میدانی پرداخته و پس از بحث و بررسی یافته‌ها و پیگیری نتایج استخراج شده، به جمع‌بندی نتایج می‌پردازد.

اهمیت موضوع

سازمان‌های جهانی، دستیابی به شکل مناسب شهری را در پایداری تعاملات روزانه میان محلات رسمی و غیررسمی جستجو می‌نمایند. محلات غیررسمی که منبع اصلی ناپایداری‌های شهری به حساب می‌آیند، مورد توجه ویژه‌ی محققان در سال‌های مختلف قرار گرفته‌اند. انتخاب کنش‌گرایی به شکلی از محیط محله بهره‌بردار اقتصادی و استفاده از توانایی‌های آن‌ها برای پایداری اقتصادی محلی، یکی از روش‌های ظرفیت‌سازی و بهره‌بردار از توانمندی‌های محلی است که در سال‌های اخیر مورد تأکید محققان قرار گرفته است.

ضرورت مطالعه

سند توانمندسازی و ساماندهی سکونت‌گاه‌های غیررسمی توجه بیشتر به حاضرین در این محلات و تأکید بر بی‌تقصیر بودن ساکنین این محلات، دارد. توصیه‌های فراوانی برای بهسازی این محلات صورت گرفته است که برای پیاده‌سازی آن‌ها، ملاحظات ویژه‌ای لازم است. کاهش هزینه‌های مداخله و دستیابی به شکل مناسب تحول، خواسته تمامی برنامه‌های ظرفیت‌سازی است که، مورد توجه این تحقیق نیز می‌باشد. فعالان اقتصادی به عنوان کنش‌گرانی که با اقتصاد محله در

ارتباطاند و در محیط و اجتماع محله اثرگذار می‌باشند، می‌توانند با استفاده از سرمایه‌های اجتماعی خود، زمینه‌ساز پایداری اقتصادی محله را فراهم سازند. شناسایی مولفه‌ها و شاخص‌های مؤثر در تقویت این ارتباط، ضرورت اصلی شکل‌گیری این تحقیق می‌باشد.

اهداف

این تحقیق با دو هدف اصلی طراحی شده است. یکی از اهداف تحقیق، شناسایی روایی دو روش متفاوت ارزیابی سرمایه اجتماعی در محلات غیررسمی است که در بخش مبانی نظری و روش تحقیق تشریح خواهد شد. هدف دیگر، تحقیق ارزیابی نوع و میزان همبستگی میان سرمایه اجتماعی و پایداری اقتصادی محله است که با استفاده از داده‌های آماری جمع‌آوری شده از سطح محله و تحلیل‌های آماری حاصل خواهد شد.

سوالات تحقیق

- ۱- آیا روش سنجش مستقیم مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و روش غیرمستقیم آثار سرمایه اجتماعی در محیط محله غیررسمی شمیران نو، دارای روایی مناسب است؟
- ۲- آیا میان سرمایه اجتماعی فعالان اقتصادی و پایداری اقتصادی محله غیررسمی شمیران نو رابطه‌ای برقرار است؟ شاخص‌های تقویت‌کننده روابط چه هستند؟

پیشینه پژوهش

پاتنام در آثار اخیر مدعی است که عملکرد اقتصادی در جوامع منسجم به مراتب قوی‌تر از جوامع غیرپیوسته است. بنابراین، شکل‌گیری سرمایه اجتماعی به معنای انسجام و اعتماد بین‌شبهه‌ای، بستر ساز افزایش کارایی‌های اقتصادی خواهد بود (Putnam, 1993 & 2000). وی در بررسی نواحی ایتالیا قبل و بعد از اصلاحات دولت منطقه‌ای در دهه ۱۹۷۰، به نتیجه رسید که سرمایه اجتماعی بالاتر نواحی شمالی در دوره‌های مختلف، زمینه‌ساز توسعه‌یافتگی بیشتر این ناحیه است (به نقل از حسنوی و پزشکان، ۱۳۸۶). مطالعه ژائو در میان کارگران اخراجی چینی اثبات نمود، کارگرانی که سرمایه اجتماعی بالاتری داشتند، برای دستیابی به شغل موفق‌تر بودند. بنابراین، اقتصاد فردی از سرمایه اجتماعی متأثر می‌باشد (Zhao, 2002). مطالعه‌ای با روش همبستگی در تانزانیا اثبات نمود که میان سرمایه اجتماعی و شاخص‌های ترویج نوآوری، فراهم‌سازی بیمه غیررسمی و پشتیبانی نامحسوس رابطه معنی‌داری برقرار است. بنابراین، با تقویت سرمایه اجتماعی، شانس پشتیبانی‌های مؤثر و غیررسمی از اقتصاد محلی فراهم خواهد شد (Narayan & Pritchett, 1999). تحقیقات بوک اثبات نموده است که سرمایه اجتماعی با دو مقوله رقابت‌پذیری و انسجام در ارتباط است و علی‌رغم تأثیرات متغیرهای مداخله‌گر، افزایش سرمایه اجتماعی با رقابت‌پذیری اقتصاد محلی در ارتباط است (Buck, 2005). گوردن آثار انسجام اجتماعی بر شهرها را در افزایش شانس اتصالات فردی، تجاری و نیروی کار جستجو می‌نماید و به نتیجه رسید که سرمایه اجتماعی موجود در محیط‌های کاری، باعث بالا رفتن ظرفیت رقابت‌پذیری و افزایش شانس‌های اقتصادی خواهد شد (Gordon, 2005). بوهیان و اورز در پژوهشی شهری، ارتباط میان سرمایه اجتماعی و ابعاد توسعه پایدار شهری را مورد تایید قرار دادند (Bhuiyan & Evers, 2005). اسدی و همکارانش در پژوهشی نتیجه‌گیری نمودند که برای ترمیم فقر، سرمایه اجتماعی ابزاری مناسب به حساب می‌آید (Asadi and others, 2008) سوری در مطالعه‌ای تجربی در رابطه با اقتصاد ایران، ابتدا سرمایه اجتماعی را بر اساس کارکردهای غیرمستقیم‌اش در کاهش جرایم و تخلفات مورد بررسی قرار داد و سپس آثار آن را بر دو متغیر رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری خصوصی متذکر گردید. نتایج نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی با رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در ارتباط مثبت و کاملاً معنی‌داری قرار دارد (سوری، ۱۳۸۴). علمی و همکاران، در مطالعه‌ای تجربی تأثیرات سرمایه اجتماعی بر اقتصاد را مورد بررسی قرار دادند. این تحقیق نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی باعث تربیت و انباشت سرمایه انسانی، کارایی سیاست‌های دولتی، بستر سازی برای ایجاد نوآوری، گردش اطلاعات، توسعه مالی و رشد اقتصادی است (علمی، شارع پور و حسینی، ۱۳۸۴). شفیعاً در پژوهشی در محله غیررسمی اثبات نمود، سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مولفه‌های ظرفیت اجتماعی با توسعه پایدار محله‌ای در ارتباط مثبت و معنی‌داری قرار دارد. این تحقیق اثبات نمود این رابطه در گروه-

های متفاوت فعالان اقتصادی و ساکنان، نتایج مشابهی دارد (شفیعا ، ۱۳۸۹). تحقیقات مطالعه شده، گروه‌های اجتماعی مختلفی مثل ساکنان محلات شهری، کشاورزان روستایی، کارکنان شرکت‌های تولیدی و خدماتی را شامل شده است. سازمان ملل متحد برای استقرار سیستم حکمروایی شهری، اقدام به معرفی کنش‌گران اثرگذار شهری نموده است. در این نظام گروه اجتماعی با عنوان "سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و غیررسمی" وجود دارند که در اقتصاد شهر و محله مؤثر می‌باشند (UNESCAP, 2001). این پژوهش به ارزیابی ارتباط سرمایه اجتماعی با پایداری اقتصاد محله غیررسمی در این گروه توصیه شده می‌پردازد. به واسطه روابط اجتماعی مطلوب، موقعیت اقتصادی قابل قبول نسبت به کنش‌گران ساکن در محله، اثرگذاری بالا در اقتصاد محله، اثرگذاری قابل توجه در بافت کالبدی و محیطی محله و ناشناخته بودن آثار احتمالی آن‌ها در پایداری اقتصادی محله، گروه فعالان اقتصادی به عنوان جامعه هدف این تحقیق انتخاب گردید.

روش تحقیق

این تحقیق که از نوع توصیفی-پیمایشی است، با دو هدف کاربردی صورت گرفته است. روش جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه محقق‌ساز انتخاب گردید که مورد تأیید ظاهری و محتوایی خبرگان قرار گرفته است. مبانی نظری تحقیق به وسیله مطالعات کتابخانه‌ای جمع‌آوری گردید. در مسیر ساخت مدل تحقیق، این سؤال مطرح گردید که آیا دو مدل متفاوت سنجش مؤلفه‌ها و سنجش آثار سرمایه اجتماعی در یک محیط غیررسمی، به سنجش صحیح مفهوم سرمایه اجتماعی منجر خواهد شد؟ بنابراین، مدل تحقیق ترکیبی از دو روش سنجشی مرسوم انتخاب گردید و با نظر خبرگان، شاخص‌هایی که پیش‌تر در تحقیقات مربوط به سرمایه اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته بود، مورد بهره‌برداری قرار گرفت. تحقیق با هدف اصلی بررسی رابطه سرمایه اجتماعی فعالان اقتصادی محله غیررسمی شمیران نو با پایداری اقتصادی محلی انجام گرفت. قلمروی مکانی تحقیق، محله شمیران نو واقع در ناحیه ۷ منطقه ۴ شهرداری تهران می‌باشد. محدوده محله از شرق به خیابان هنگام، از غرب به پادگان نیروی دریایی، از شمال به اتوبان همت و از جنوب به بوستان الغدیر محدود است. این محله به واسطه سابقه تأسیس غیررسمی، به انواع آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی مشهور است و ساکنین قدیمی محله از شرایط فعلی محله ناراضی می‌باشند. اما آستانه جمعیتی بالای محله، بازار کسب و کار مناسبی برای فعالان اقتصادی فراهم نموده است. برای نمونه‌گیری از فعالان اقتصادی، به دلیل نامشخص بودن تعداد جامعه آماری قرار بر این شد که به صورت یک در میان، در پهنه‌های پنج-گانه از پیش تعیین شده، از کسبه محله نمونه‌گیری صورت گیرد^۳. بنابراین، با توجه با استاندارد حداقل ۱۰۰ نمونه برای تحلیل‌های آماری، ۱۲۰ نمونه از گروه تحقیق جمع‌آوری گردید.

پس از مشخص شدن شاخص‌ها و طراحی سؤالات برای آماده‌سازی پرسشنامه، طیف پنج‌گانه لیکرت مورد استفاده قرار گرفت. پرسشنامه به گونه‌ای طراحی گردید که مقیاس تمامی سؤالات فاصله‌ای باشد^۴. به دلیل بخش‌بندی‌های جغرافیایی و گونه‌های مختلف کسب و کار در محیط محله، نمونه‌گیری خوشه‌ای مورد استفاده قرار گرفت. بنابراین، محله مذکور به ۵ خوشه متفاوت تقسیم گردید که هر خوشه شامل انواع کسب و کار می‌باشد. با توجه به تراکم شناسایی شده فعالیت‌های اقتصادی در این خوشه‌ها، از دو خوشه اصلی ۶۰ نمونه و از سایر خوشه‌ها ۶۰ نمونه، به صورت کاملاً تصادفی جمع‌آوری گردید. این تحقیق در بازه زمانی تیر تا اسفند ماه ۱۳۸۹، به صورت مقطعی صورت گرفت. برای تحلیل داده‌ها از نرم افزار Spss استفاده گردید. در بخش طراحی پرسشنامه، پس از جمع‌آوری نظرات خبرگان برای تأیید سؤالات، تعدادی از سؤالات سرمایه اجتماعی با تغییر روبرو گردید. سپس برای نمونه، تعداد ۳۰ پرسشنامه اول جمع‌آوری شد و پس از تأیید پایایی اولیه

^۳ جامعه تحقیق را فعالان اقتصادی محله تشکیل می‌دهند این گروه، شامل تمامی افرادی است که از صبح تا شب به شکلی در اقتصاد رسمی و غیررسمی محله به فعالیت می‌پردازند. بنابراین، هر کدام از مشاغل رسمی و غیررسمی حاضر در محله مورد نظر تحقیق می‌باشد. فروشندگان موادغذایی، رانندگان درون محله، خریداران و فروشندگان کالابزرگ‌ها، بنگاه‌های بیمه، تعویض روغنی و... از جمله اعضای این گروه می‌باشند.

^۴ جای تأکید دارد که در طراحی سؤالات، تلاش گردید مقیاس‌ها به صورت فاصله‌ای استفاده شود. حتی متغیر اعتماد یا احساس امنیت به صورت اعتماد/ احساس امنیت بسیار پایین، پایین، متعادل، بالا و بسیار بالا مورد سنجش قرار گرفت. در این روش، تلاش گردید ذهنیت‌های پاسخ‌دهندگان نسبت به شاخص‌های مذکور، مبانی امتیازگذاری قرار گیرد. بنابراین همبستگی‌های رتبه‌ای اسپیرمن و پیرسون در بخش ارزیابی روابط همبستگی قابل استفاده خواهد بود.

به وسیله آلفای کرونباخ، جمع‌آوری پرسشنامه صورت گرفت. برای جمع‌آوری داده‌ها، تلاش گردید سؤال به وسیله پژوهشگر مطرح شد و پاسخ‌های نمونه‌ها توسط پژوهشگر ثبت شد، تا از خطاهای ناشی از درک نشدن سؤالات پرسشنامه جلوگیری شود. پرسشنامه شامل ۳۶ شاخص بود که پایایی آن با آلفای کرونباخ ۰.۷۵ تأیید گردید. از سویی برای تأیید روایی سازه‌های سرمایه اجتماعی و پایداری اقتصادی از تحلیل عاملی تأییدی استفاده گردید. رعایت حدنصاب KMO بیش از ۰.۵ و بالاتر بودن مقادیر اشتراکات از ۰.۳ و کمتر بودن سطح معنی‌داری بارتلت از ۰.۰۵، روایی سازه‌های تحقیق را صحت‌گذاری نمود. در تحلیل نتایج به دست آمده از آزمون‌های همبستگی، تلاش گردید نظرات خبرگان و شرایط محیطی محله لحاظ شود و نتایج بر اساس واقعیات ثبت شده استخراج گردد.

مدل تحقیق

تنوع روش‌ها و مدل‌های سنجش مفاهیم تحقیق باعث شد، برای انتخاب مدل تحقیق از نظرات خبرگان، بهره‌برداری ویژه‌ای شود. همانطور که در مبانی نظری ذکر گردید، برای سنجش سرمایه اجتماعی دو روش سنجش مستقیم و سنجش نتایج غیرمستقیم مرسوم است. در روش سنجش مستقیم که بر اساس دیدگاه‌های پاتنام بنا شده است، مولفه‌های اعتماد، هنجارگرایی و اتصال به شبکه‌های اجتماعی مورد سنجش قرار می‌گیرند. اما در بخش سنجش نتایج غیرمستقیم که بر اساس دیدگاه‌های فوکویاما مرسوم شده است، هر شاخصی که به شکلی از سرمایه اجتماعی متأثر شود، مورد توجه قرار می‌گیرد و اندازه‌گیری آن‌ها، معادل میزان سرمایه اجتماعی موجود فرض می‌شود. ملاحظه لازم در این بخش، انتخاب شاخص‌هایی است که با شرایط فرهنگی و اجتماعی محله مورد بررسی سازگاری داشته باشد و توسط محققان دیگر به عنوان شاخص سنجش سرمایه اجتماعی معرفی شده باشد. جدول شماره ۱ نمایشی از مولفه‌های تحقیق در مفهوم سرمایه اجتماعی با ذکر منابع تأیید کننده می‌باشد.

جدول شماره ۱: مولفه‌های سرمایه اجتماعی تحقیق

نوع سنجش	مؤلفه	پژوهشگر تأیید کننده
سنجش مستقیم	اعتماد به (همسایه‌ها، سایر قومیت‌ها، صاحبان کسب و کار، شورایاری، شهرداری، نیروی انتظامی و دولت)	(Lyberaki, Antigone ; Paraskevopoulos, Christos ;, 2002; National statistics, 2003; Putnam, R, 1993)
سنجش غیرمستقیم	هنجارگرایی (رسمی، غیررسمی)	(Onyx & Bullen, 2000; Coleman, J, 1990)
	اتصال به شبکه (دوستی، پیداکننده کار، ضمانت وام و راهنمایی قانونی)	(Putnam, R, 1993; Coleman, J, 1990)
	وابستگی به جامعه محلی	(Onyx, J. and P. Bullen, 1998; Onyx & Bullen, 2000; Iisakka, Helsinki, Helsingfors, 2006; National statistics, 2003; Stone, Wendy, 2001; World Bank, 1998)
	اختصاص زمان برای حل مشکلات همسایه‌ها	(Onyx, J. and P. Bullen, 1998; National statistics, 2003; World bank, 2004)
سنجش غیرمستقیم	کمک‌های خیریه در محله	(شریفیانی ثانی، مریم؛ ملکی سعید آبادی، امیر، ۱۳۸۵)
	دوستان صمیمی در محله	(Onyx, J. and P. Bullen, 1998; Onyx & Bullen, 2000; Iisakka, Helsinki, Helsingfors, 2006; National statistics, 2003; Stone, Wendy, 2001; World Bank, 1998)
	احساس امنیت در محله	(Onyx & Bullen, 2000)
	شناخت اعضای شورایاری محله	(Putnam, R, 1993)

برای استخراج مدل پایداری اقتصادی، تحقیقات نشان داده که استطاعت تأمین مسکن، شرایط واحدهای تجاری و مسکونی و در دسترس بودن سرویس‌های پایه شهری مورد تأکید قرار دارد (Dover Community Association, 2001).

از سویی، پایداری و خودکفایی اقتصاد محلی و شرایط درآمدی و پس‌اندازی اقتصاد خانوارها، به عنوان مولفه‌های مهم فردی به حساب می‌آید (Jozsa & Brown, 2005) برخی تحقیقات، شاخص‌های کیفیت مسکن و سطح دسترسی به زیرساخت‌های شهری را در عینی که جزئی از مولفه‌های محیطی می‌دانند، در ارتباط تنگاتنگ با مؤلفه‌های اقتصادی معرفی کرده‌اند. زیرا پیش‌بینی کننده مناسبی برای توان اقتصادی فردی به حساب می‌آیند (Urban Ecology Coalition, 1999). گزارش پایداری شهر مینئوپولیس نشان داد که شاخص‌های پایداری اقتصادی که با شاخص‌های پایداری محیطی و اجتماعی در تعامل باشند و قابلیت سنجش چند بعدی را فراهم سازند، از مطلوبیت بیشتری برخوردار است (Ibid). بنابراین برای طراحی مدل پایداری اقتصادی سه مؤلفه اصلی اقتصاد فردی، اقتصاد بنگاه‌های محله و ارزش اقتصادی بنگاه‌ها مورد ارزیابی قرار گرفت. برای سنجش ارزش اقتصادی واحد تجاری مورد بررسی، شاخص‌های دسترس‌پذیری و کیفیت بنا که به شکلی در ارزش اقتصادی و شأن اجتماعی واحد مؤثر است، مورد توجه قرار گرفت. جدول شماره ۲، نشان دهنده مؤلفه‌های پایداری اقتصادی تحقیق می‌باشد.

جدول شماره ۲: مؤلفه‌های پایداری اقتصادی تحقیق

مؤلفه‌ها	زیر مؤلفه‌ها
اقتصاد فردی	استطاعت تأمین مسکن، توان تأمین هزینه‌های زندگی، میزان پس‌انداز ماهیانه
اقتصاد بنگاه‌های محله	پویایی اقتصاد محله، پایداری اقتصاد محله، جذابیت فعالان اقتصادی محله، تضمین تأمین مواد اولیه
ارزش اقتصادی بنگاه	دسترسی به فضای عمومی، دسترسی به فضای تأمین نیازهای روزانه، دسترسی به سیستم حمل و نقل ارزان، دسترسی به پارکینگ، امنیت بنا، نظافت محیطی، کیفیت بصری، اختلاط کاربری‌ها

مبانی نظری

ساماندهی اسکان غیررسمی و سکونت‌گاه خودروی

محلات غیررسمی نتیجه شکست سیاست‌های رسمی و بی‌پاسخ ماندن نیاز مسکن کم‌درآمدها می‌باشد. مرزبندی ذهنی میان "متن شدن محلات رسمی" و "حاشیه‌ای شدن محلات غیررسمی"، ریشه در پارادوکس موجود در قوانین و مقررات و غیرقانونی دانستن فقر دارد (صرافی، ۱۳۸۱، ص. ۷). خواسته یا ناخواسته، دانسته یا نادانسته سکونت‌گاه‌های غیررسمی، جزئی از زندگی و حیات شهری می‌باشند که در طول زمان و در درون و کنار آن‌ها شکل گرفته و متحول می‌شوند. این محلات را نمی‌توان تنها مرکز جذب مهاجران روستایی دانست، زیرا به عنوان مهم‌ترین گزینه برای اسکان اقشار کم‌درآمد شهری به حساب می‌آیند.

اهمیت و ارزش مداخله در این محلات، با مراجعه به سیر تحول سیاست‌های مسکن کم‌درآمدهای شهری و ساماندهی و بهسازی این بافت‌های اجتماعی قابل اثبات است. بین دهه‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۰، دخالت نهادهای عمومی برای ساخت و سازهای جدید و ریشه‌کنی محلات نابسامان شهری، راه‌کار متداول به حساب می‌آمد. آثار سوء این روش‌ها از میانه دهه ۱۹۷۰ تا میانه ۱۹۸۰، این نهادها را به فکر پروژه‌های خودیار^۵ برای خانه‌دار شدن کم‌درآمدهای شهری سوق داد. در تکمیل یافته‌های این دوران و در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰، چارچوب‌های توانمندساز و امن برای ورود بخش خصوصی و ظرفیت‌سازی کنش‌گران این محلات رایج گردید، که بر اساس پیش زمینه کاهش هزینه‌های عمومی و افزایش شانس پایداری تحولات این محلات طراحی شده بود. از میانه دهه ۱۹۹۰ به بعد و با ورود بحث‌های توسعه پایدار به مبانی توسعه شهری، توجه چندگانه‌ای به محیط زیست، محیط انسان ساخت، اجتماعات مردمی و اقتصاد محلی معطوف گردید و فرایند مداخله در این محلات، شکل آینده نگرانه‌تری پیدا نمود (Un-Habitat, 2005). طی بحث‌هایی که در نشست مسئولان شهری در هیئتات ۲ استانبول انجام گرفت، اهدافی برای سال ۱۹۹۶ با عنوان "ظرفیت‌سازی برای شهرهایی بهتر" پیشنهاد گردید که نقطه شروع کاربردی شدن مفاهیم ظرفیت‌سازی برای بهبود سکونت‌گاه‌های غیررسمی است (مرکز سکونت‌گاه‌های انسانی سازمان ملل، ۱۳۸۸).

⁵ Self help

با توجه به پارادایم رایج برای مداخله در محلات غیررسمی، بهره‌برداری از سرمایه‌های درون‌زای محلی برای دستیابی به پایداری، بسیار مورد توجه قرار دارد. این گونه از برنامه‌ها، در عینی که باعث کاهش سربارهای نهادهای رسمی است، نوع پایداری تحولات را به همراه خواهند داشت، که بهبود زندگی را از درون و به وسیله اجتماعات مردمی مقدر خواهد ساخت. بنابراین، سازمان‌های شهری و دولتی نقش تسهیل‌گر و تربیت‌کننده را ایفا خواهند نمود و کنش‌گران حاضر در محلات، بیشترین نقش آفرینی را خواهند نمود.

معضل دانستن اجتماعات غیررسمی، خواستگاه کجروی‌های اجتماعی و بروز جرم، مرکز تجمع مهاجران روستایی، تشکیل صرفاً حاشیه‌ای محلات غیررسمی و اشتغال ساکنان تنها در اقتصاد غیررسمی، پیش زمینه‌های ذهنی غلطی است که نیاز است برای تحقق صحیح فرایند ظرفیت‌سازی، در پیشگاه مدیران و برنامه‌ریزان ملی، منطقه‌ای و محلی مورد تجدیدنظر قرار گیرد (پیران، ۱۳۸۱). بنابراین برنامه‌های ظرفیت‌سازی و توانمندسازی، ابزاری مؤثر برای تغییر ذهنیت‌ها و بهره‌برداری مؤثر از توانایی‌های موجود در سازمان‌های شهری و اجتماعات مردمی است. با این شرط که ساکنین این محلات، به عنوان با ارزش‌ترین دارایی‌های محلی شناسایی شود و سرمایه‌گذاری‌ها به سمت مقتدرسازی آن‌ها برای رفع مشکلات سکونتی آن‌ها سوق داده شود.

سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی با اینکه دارای اغتشاشات مفهومی و پیچیدگی‌های ادراکی گوناگون است، مفهومی جدید و پویا و رابطی میان شاخص‌های اجتماعی، محیطی و اقتصادی به حساب می‌آید. کاربرد این مفهوم در حیطه‌هایی چون توسعه اجتماعی، توسعه اقتصادی، آموزش و تعلیم، بهداشت و پایداری زیست محیطی، زمینه‌ساز ساخت آزمون فرضیه‌های بین رشته‌ای و کاربردی فراوانی شده است (پیران و موسوی و شیانی، ۱۳۸۵). حقیقتاً نمی‌توان زمان مشخصی را به عنوان مبدأ درک بشر از اهمیت سرمایه‌های حاصله از روابط اجتماعی مشخص نمود. اما صنعتی شدن، زندگی ماشینی، کاهش تعاملات اجتماعی و از خودبیگانگی، دلایلی موجه برای توجه بیشتر دانشمندان علوم اجتماعی به آثار سرمایه اجتماعی در زندگی بشری است. نگاه‌های متفاوتی نسبت به سرمایه اجتماعی وجود دارد که ریشه در تعدد رشته‌های علمی درگیر با این مفهوم است. بورديو با نگاهی اقتصادی این سرمایه را به جهت تأثیر مثبت بر سرمایه اقتصادی، غیرقابل ارزیابی و سنجش می‌داند. از دیدگاه وی، سرمایه اجتماعی مجموعه منابع مادی و معنوی یک فرد یا یک گروه اجتماعی است که از روابط تقریباً نهادینه شده آشنایی و شناخت منتج می‌شود. کلمن با نگاه جامعه‌شناسانه، این سرمایه را حاصل از ساختارهای اجتماعی دانسته که باعث تسهیل کنش‌های اجتماعی می‌گردد. پاتنام متخصص علوم سیاسی، سرمایه اجتماعی را از دیدگاه ارزشمندی شبکه‌های اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهد و مدعی است که تماس‌های اجتماعی، بر کارایی افراد و گروه‌های اجتماعی مؤثر خواهند بود (الوانی و شیروانی، ۱۳۸۵). از سویی، برای نیل به حکمروایی شهری و افزایش شانس تحقق دموکراسی، سرمایه اجتماعی یکی از آرمان‌های اساسی به حساب می‌آید (اکبری، ۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی در سطح اقتصاد تجاری زمینه‌ساز بهره‌برداری از امتیازات ناشی از اثرات بیرونی شبکه‌های ارتباطی است. این در حالی است که هر شبکه با ریسک‌های خاصی مثل اختلالات درون-شبکه‌ای یا نوسانات خارج شبکه‌ای روبرو است و اقتصاد جاری در این تعاملات، از این نوسانات متأثر می‌گردد. در حالی که افزایش حجم شبکه به افزایش این ریسک‌ها می‌افزاید، سرمایه اجتماعی به عنوان کاهشنده هزینه‌های مبادله، راه‌کاری مقابله‌ای به حساب می‌آید. این سرمایه با تسهیل تبادلات محرمانه و نیمه محرمانه، توافقات دو جانبه و کم هزینه‌تری را نسبت به شرایط قانونی موجب می‌شود. با نگاه اقتصاد خرد، سرمایه اجتماعی از طریق توزیع ریسک، بر نرخ پس‌انداز جامعه اثرگذار بوده و زمینه‌ساز افزایش یا کاهش میزان پس‌انداز خانوارها می‌گردد؛ ضمن آنکه نحوه سرمایه‌گذاری خانوارها توسط پس‌اندازهای آن‌ها بی‌تأثیر نیست. در سطح کلان و دولتی، سرمایه اجتماعی باعث افزایش کارایی عمومی شده و فعالیت‌های دولت روان‌تر و با بار مالی کمتری ادامه می‌یابد. امکانات و تجهیزات عمومی به واسطه نظارت غیررسمی بیشتر عمر کرده و هزینه‌های سربار اقتصادی کاهش می‌یابد (اموری، ۱۳۸۲).

به واسطه پیچیدگی سنجش ذهنیت‌های انسانی و وابستگی این مفهوم به تعاملات و ادراکات اجتماعی، روش‌های منطبق با طیف‌های فازی مورد تأکید پژوهش‌گران اخیر قرار گرفته است. اما با مرور پژوهش‌های به جای مانده از سنجش سرمایه اجتماعی، مشخص گردید روش‌های سنجش مؤلفه‌های اصلی توصیه شده توسط پاتنام و سنجش نتایج غیرمستقیم توصیه شده توسط فوکویاما، به صورت کاربردی استفاده شده است (شریفیانی ثانی و ملکی سعید آبادی، ۱۳۸۵). بنابراین، سرمایه اجتماعی مفهومی بین رشته‌ای است که از تعاملات اجتماعی افراد در شبکه‌های اجتماعی حاصل می‌گردد. در این تحقیق، تلاش خواهد شد تا با سنجش مستقیم و غیرمستقیم سرمایه اجتماعی همبسته بودن این روش‌ها با مفهوم اصلی سرمایه اجتماعی مورد ارزیابی قرار گیرد و این نکته به عنوان یکی از سؤالات تحقیق مورد توجه قرار خواهد گرفت.

توسعه پایدار و توسعه پایدار اقتصادی

توسعه اقتصادی و رشد اقتصادی به اشتباه در پاره‌ای از متون به جای یکدیگر به کار می‌روند، در حالی که، رشد اقتصادی دربردارنده شاخص‌های کمی اقتصادی است و توسعه اقتصادی متضمن فرایندهای پیچیده‌تری است که با مفاهیمی چون تغییر و تحولات اقتصادی نزدیک‌تر است. از نظر پیترو دورنر توسعه اقتصادی عبارت است از بسط امکانات و پرورش قابلیت بشری برای جلوگیری از فقر (ازکیا، ۱۳۷۹). رویکردهای توسعه که اساساً پس از جنگ جهانی دوم نمود پیدا کرد، نشان می‌دهد که پارادایم مدرنیزاسیون و رشد، به مثابه فرایند خطی مرسوم سال‌های ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۰، از سال‌های ۱۹۷۰ به بعد به سمت جلوگیری از شکاف‌های اجتماعی و توزیع عادلانه منابع سوق داده شده است (غفاری و امید، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۳-۱۲۸). به بیانی ساده، توسعه‌ای که تنها جنبه‌های اقتصادی را مدنظر قرار دهد، با افزایش آسیب‌های اجتماعی و محیطی همراه است و در طول زمان بقا نخواهد داشت. توسعه پایدار، از جمله مفاهیمی است که در دهه گذشته و پس از مشاهده کاستی‌های موجود در توسعه یک‌جانبه، به ادبیات توسعه افزوده شد. با اوج گرفتن نگرانی از عواقب فعالیت‌های انسانی برای کره زمین و برپایه قطع‌نامه مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۸۳، کمیسیون جهانی، جهت بررسی جامع مسائل زیست محیطی و توسعه جهانی تشکیل شد. این کمیسیون، توسعه پایدار را توسعه‌ای تعریف کرد که نیازهای کنونی را بدون کاهش توانایی نسل‌های آتی برای برآوردن نیازهایشان مهیا سازد (سعیدی رضوانی، وکاظمیان، ۱۳۸۲). به عبارتی برای توسعه، بایستی به ابعاد محیط زیست، محیط انسان ساخت، اقتصاد و اجتماع توجه چند جانبه ای شود و هیچ‌یک از هزینه‌های جاری از منابع آتی این ابعاد صورت نگیرد.

شهرها به واسطه اینکه مراکز ابداع و نوآوری، یادگیری، تجارت و تولید و مصرف هستند، با جذب جمعیت انسانی به درون خود بیشترین تأثیرگذاری را بر منابع و اجتماعات مردمی دارند (سولویوان، ۱۳۸۸). بنابراین بررسی توسعه پایدار در محدوده شهری، یکی از مناسب‌ترین گزینه‌ها برای بررسی شرایط توسعه‌یافتگی است. توسعه پایدار شهری از نظر کالبدی به تغییرات کاربری‌های زمین و سطوح تراکم جهت رفع نیازهای ساکنان شهر و فضاهای مربوط به سکونت، حمل و نقل و اوقات فراغت توجه دارد. از نظر زیست محیطی به قابل سکونت بودن شهر در کنار هوای پاک، آب سالم و حفظ منابع تجدید ناپذیر و مدیریت زباله تأکید دارد. از نظر اجتماعی، مباحث مربوط به همبستگی و انسجام اجتماعی و احساس تعلق شهروندان مطرح است. از نظر اقتصادی به دوام اقتصاد شهری و هماهنگی سطوح مختلف مشاغل، وضعیت مسکن شهری و شرایط اقتصاد خانوارها توجه دارد (Mukomo, 1996). موضوعاتی مثل مشاغل و اشتغال، دستمزد مناسب، تجارت پایدار و به‌کارگیری تکنولوژی مناسب در پایداری اقتصاد شهری مورد تأکید است (نوابخش و ارجمند سیاه‌پوش، ۱۳۸۸، ص. ۱۵۲). بانک جهانی، طراحی پروژه‌های مسکن را در صورتی در راستای توسعه پایدار شهری دانسته که با کاهش هزینه‌ها و ملاحظه تمامی گروه‌های اجتماعی همراه باشد. ضمن آنکه فرصت‌های اقتصادی و شرایط اشتغال خانوارهای ساکن در شهر را از موقعیت امنیت اقتصادی خارج نسازد (عزیزی، ۱۳۸۰). بنابراین انتظار می‌رود با توسعه اقتصادی، شکاف طبقاتی و اختلافات اجتماعی تشدید نشود، توانایی تمامی اقشار جامعه برای دستیابی به نیازهای اساسی تخریب نگردد و از محیط زندگی و زیست شهری بیش از جای پای بوم شناختی استفاده نگردد.

نتایج

در مبنای نظری تحقیق دو روش سنجش مستقیم و غیرمستقیم سرمایه اجتماعی مورد بازشناسی قرار گرفت. در این پژوهش، سعی گردید هر دو روش به صورت موازی مورد استفاده قرار گیرد و با استفاده از همبستگی میان نتایج، میزان مرتبط بودن این دو روش با مفهوم سرمایه اجتماعی مشخص شود. جدول شماره ۳ نشان دهنده همبستگی میان دو روش سنجش می‌باشد.

جدول شماره ۳: همبستگی میان روش‌های سنجش سرمایه اجتماعی^۶

سنجش مستقیم سرمایه اجتماعی		سنجش غیرمستقیم سرمایه اجتماعی	
مقدار همبستگی	0.806(**)	مقدار همبستگی	0.888(**)
سطح معنی داری (2-tailed)	.000	سطح معنی داری (2-tailed)	.000
مقدار همبستگی	0.472(**)	مقدار همبستگی	0.472(**)
سطح معنی داری (2-tailed)	.000	سطح معنی داری (2-tailed)	.000

نتایج نشان می‌دهد، هر دو روش سنجشی با مفهوم سرمایه اجتماعی استخراج شده از داده‌ها، دارای همبستگی مثبت و معنی قوی می‌باشند ($r_1=0.888$, $r_2=0.806$, $p=0.0$). از سویی، میان دو روش سنجش مستقیم و غیرمستقیم همبستگی مثبت و معنی دار متوسطی برقرار است ($r=0.472$, $p=0.0$). این نتایج بدین معناست که میان دو روش سنجش سرمایه اجتماعی رابطه نسبتاً قابل اتکایی برقرار است، هر چند این مقدار در حد متوسط می‌باشد. بنابراین اثبات همبستگی این دو روش با یکدیگر نشان‌دهنده روایی قابل قبول هر دو روش برای سنجش مفهوم سرمایه اجتماعی است. بنابراین در صورت انتخاب شاخص‌های مناسب و استفاده از ابزارهای قابل قبول، هر دو روش سنجش مستقیم و غیرمستقیم، قابلیت سنجش مفهوم اصلی سرمایه اجتماعی را دارا می‌باشند و روش‌های توصیه شده پژوهش‌گران در میدان عمل صحه‌گذاری شد. اما هدف اصلی تحقیق، ارزیابی رابطه میان سرمایه اجتماعی فعالان اقتصادی و وضعیت پایداری اقتصاد محله می‌باشد. ابتدا آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده گردید تا مشخص شود توزیع متغیرها به چه شکل است. نتایج آزمون تأیید نمود تنها متغیرهای پایداری اقتصادی و سرمایه اجتماعی که از میانگین‌گیری شاخص‌های مطرح شده تشکیل شده‌اند، دارای توزیع نرمال می‌باشند. بنابراین، مطابق با وضعیت برازش متغیرها، آزمون‌های همبستگی مورد استفاده قرار گرفت. جدول شماره ۴ نشان‌دهنده خلاصه‌ای از وضعیت همبستگی میان متغیر پایداری اقتصادی و سرمایه اجتماعی است.

جدول شماره ۴: همبستگی میان متغیرهای تحقیق

پایداری اقتصاد محلی				سرمایه اجتماعی فعالان اقتصادی	
پایداری اقتصادی	پایداری اقتصادی محلی	پایداری اقتصادی فردی	پایداری اقتصادی	تأیید همبستگی ©	اقتصادی
0.208(*)	0.261(**)	-0.043	0.225(*)	عدم تأیید همبستگی □	هنجارگرایی
0.037	0.009	0.673	0.024	میزان همبستگی	اتصال به شبکه
-0.032	0.251(*)	0.036	0.209(*)	سطح معنی داری (2-tailed)	
0.755	0.012	0.722	0.037	میزان همبستگی	
				سطح معنی داری (2-tailed)	

^۶ تمامی نتایج به دست آمده از آزمون همبستگی این جدول در سطح معنی داری ۰.۰۱ می‌باشند.

اعتماد	میزان همبستگی سطح معنی داری (2- tailed)	©.205(*)	□.162	.160	□.016
آثار غیرمستقیم	میزان همبستگی سطح معنی داری (2- tailed)	©.261(**)	□-.058	©.356(**)	□.104
		.040	.106	.112	.872
		.009	.568	.000	.302

نتایج تأیید می‌نماید، میان تمامی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با پایداری اقتصاد محلی، رابطه مثبت و معنی‌دار نسبی برقرار است. نتایج مؤید این نکته است که هنجارگرایی با پایداری اقتصاد محلی و ارزش اقتصادی بنگاه‌ها در ارتباط مثبت و معنی‌داری قرار دارد. به بیانی افزایش هنجارهای رسمی و غیررسمی در شبکه‌های اجتماعی فعالان اقتصادی محله غیررسمی، با افزایش قابل قبول پایداری فعالیت‌های اقتصادی و ارزشمندی بنگاه‌های تجاری همراه بوده است. بنابراین هنجارهای موجود در شبکه‌های اجتماعی، به عنوان پشتیبانی نسبی برای تقویت فعالیت‌های اقتصادی بنگاه‌ها و افزایش فعالیت پذیری اقتصادی محله، نقش آفرینی می‌نماید. از سویی، فعالان اقتصادی که در بنگاه‌های با ارزش‌تر اقتصادی حضور دارند، از هنجارگرایی نسبی بیشتری برخوردار می‌باشند. بنابراین می‌توان مدعی بود، افزایش موقعیت اقتصادی بنگاه‌های محله، با آثار مثبت افزایش هنجارهای دلسوزی و قانون‌گرایی عمومی همراه است که البته این یافته به واسطه الزامات اعمال شده توسط اصناف و سازمان‌های شهری شکل گرفته است. و هرچه واحد کسب و کار در موقعیت مطلوب‌تری قرار داشته باشد، زمینه اعمال استانداردهای از پیش تعریف شده بیشتر است.

همبستگی‌های موجود میان اتصال به شبکه‌های اجتماعی و پایداری اقتصاد محلی نشان می‌دهد، فعالان اقتصادی که به شبکه‌های اجتماعی بیشتری متصل می‌باشند، از پایداری اقتصادی و شرایط مناسب‌تری برخوردار می‌باشند. اما این متغیر، تأثیرگذاری مشخصی بر پایداری اقتصاد فردی و ارزش بنگاه اقتصادی نشان نمی‌دهد. بنابراین تقویت شبکه‌های اجتماعی گروه تحقیق، بیش از آنکه آثار فردی و محیطی مشخصی داشته باشد، بر پایداری تعاملات اقتصادی بنگاه‌های محله مؤثر است. بنابراین انگیزه موجود در شبکه‌های اجتماعی گروه تحقیق، از نوع پشتیبانی فعالیت‌های اقتصادی است و منجر به هدایت سرمایه اجتماعی گروه تحقیق برای دستیابی به پایداری اقتصادی خواهد شد.

پس از انجام آزمون میان شاخص‌های اتصال به شبکه‌های اجتماعی و پایداری اقتصادی محله مشخص گردید، اتصال به شبکه‌های پشتیبان شغل ($r=0.255, p=0.01$)، اتصال به شبکه‌های ضمانت‌کننده وام ($r=0.214, p=0.03$) و اتصال به شبکه‌های آشنا به قوانین ($r=0.293, p=0.0$) بیش از اتصال به شبکه‌های روابط صمیمی، درد و دل، شورای محله و روابط خانوادگی، بر پایداری اقتصاد محله مؤثر است. بنابراین برای دستیابی به پایداری اقتصاد محله، اتصال به شبکه‌های رسمی و مرتبط با امور اقتصادی و تجاری در اولویت قرار دارد. به زبان ساده، پایداری اقتصاد محله با تقویت شبکه‌های اجتماعی ضمانت‌کننده کسب و کار، تضمین خواهد شد و شبکه‌های اجتماعی، روابط دوستانه و خانوادگی در پایداری اقتصادی محله بی‌تأثیر است.

نتایج نشان می‌دهد اعتماد، با پایداری اقتصاد محله در ارتباط مثبت و قابل قبولی قرار دارد. اما اعتماد، به دیگر قومیت‌های فعال در اقتصاد محله ($r=0.249, p=0.01$) بیشترین تأثیر را بر پایداری اقتصاد محله نشان می‌دهد. بنابراین فعالان اقتصادی که در ارتباطات اجتماعی خود نسبت به قومیت‌های دیگر، ذهنیت‌های مثبتی دارند، شرایط پایداری اقتصادی مطلوب‌تری را داشته‌اند. در تحقیقات پیشین، نیز اثبات شده است که محلات غیررسمی یکی از کانون‌های اصلی اختلافات قومی و نژادی است. این نتیجه تأیید می‌نماید فعالان اقتصادی که از نظر ذهنی و عینی شکاف‌های قومی، نژادی را دامن نمی‌زنند و از اعتماد مطلوب‌تری نسبت به گروه‌های اجتماعی دیگر برخوردارند، به واسطه بهره‌برداری از فرصت‌های مطلوب‌تر حاصله از این پیوندها، سطح پایداری اقتصادی مطلوب‌تری را دارا می‌باشند. جای توجه دارد نتایج، تأیید می‌نماید که سرمایه اجتماعی بالاتر با پایداری اقتصاد فردی همراه نمی‌باشد. به بیانی، سرمایه اجتماعی فعالان اقتصادی بیش از آنکه بر اقتصاد

خرد و فردی اثرگذار باشد، به اقتصاد کلان بنگاه‌های محله تأثیر می‌گذارد. به عبارتی، این سرمایه با ایجاد بسترهایی از اعتماد و همبستگی عمومی، زمینه‌ساز تقویت تعاملات اقتصادی بنگاه‌های محله می‌باشد. هر چند ممکن است این تعاملات از نظر شاخص‌های فردی منجر به پایداری اقتصاد فردی نباشد اما در سطح کلان، بسترساز پایداری و پویایی اقتصاد محله خواهد بود. با نگاه به شاخص‌ها مشخص است که فعالان اقتصادی که سرمایه اجتماعی بالاتری داشته‌اند، خریدهای اصلی زندگی خود را از درون محله انجام می‌دهند ($r=0.487, p=0.0$) و فعالان اقتصادی محله را مطلوب‌تر ارزیابی می‌کنند ($r=0.209, p=0.05$). اما سرمایه اجتماعی آن‌ها، هیچ رابطه‌ای با توانایی پس‌انداز، پاسخ‌گویی به هزینه‌های زندگی و استطاعت تأمین مسکن آن‌ها ندارد. بنابراین دسته بندی‌های اقتصادی مختلف پاسخ‌دهندگان، الگوی مشخصی برای مالکیت سرمایه اجتماعی به نمایش گذاشت و نمی‌توان مدعی بود سرمایه اجتماعی بیشتر در اختیار گروه‌های اقتصادی قوی‌تر یا ضعیف‌تر قرار دارد. جدول شماره ۵، نشان‌دهنده آزمون همبستگی میان دو متغیر اصلی سرمایه اجتماعی و پایداری اقتصادی محله است.

جدول شماره ۵: همبستگی میان پایداری اقتصادی و سرمایه اجتماعی^۷

پایداری اقتصادی محله	خروجی آزمون همبستگی
.۴۰۱(**)	میزان همبستگی اسپیرمن
.۰۰۰	سطح معنی‌داری (2-tailed)

با توجه به نتیجه به دست آمده، مشخص است که سرمایه اجتماعی با پایداری اقتصاد محله در ارتباط مثبت و معنی‌دار قابل قبولی قرار دارد. بنابراین افزایش هنجارهای رسمی و غیررسمی، اتصال بیشتر به شبکه‌های مرتبط با اقتصاد محله و فعالیت‌های رسمی و افزایش اعتماد به قومیت‌های دیگر با پایداری اقتصاد محله‌ای همراه می‌باشد و می‌توان انتظار داشت که سرمایه اجتماعی بهتر با پایداری اقتصادی محلی بهتری همراه باشد.

بحث و بررسی

هدف تحقیق، ارزیابی رابطه سرمایه اجتماعی با پایداری اقتصاد محلی است. نتایج همبستگی‌ها نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی فعالان اقتصادی با توجه به انگیزه اصلی آن‌ها برای کسب منفعت، در مسیر پایداری و پویایی اقتصاد محله اثرگذار است. اتصال به شبکه‌های پشتیبان کار، هنجارگرایی و اعتماد به قومیت‌های دیگر از جمله شاخص‌هایی هستند که با پایداری اقتصاد محله در ارتباط مثبت و معنی‌داری قرار دارند. همان‌طور که در پیشینه تحقیق ذکر گردید، محققان اثبات نموده‌اند که سرمایه اجتماعی باعث ایجاد ضمانت و بیمه غیررسمی است. نتایج این تحقیق تایید می‌نماید، تقویت شبکه‌هایی که به شکلی در اقتصاد کسب و کار و اتصال میان فعالان اقتصادی مؤثر باشد، در بهبود شاخص‌های پایداری اقتصادی محله مؤثر خواهد بود. افزایش اعتماد به قومیت‌های دیگر به عنوان اعتماد خارج گروهی، یکی از ابزارهای مناسب برای افزایش چسبندگی فعالان اقتصادی است و از شکاف میان شبکه‌ای جلوگیری می‌نماید.

این تحقیق اثبات نمود که افزایش سرمایه اجتماعی با افزایش تمایل بیشتر فعالان اقتصادی برای خرید از درون محله همراه است. این اقدام به عنوان بستری مناسب برای ضمانت اقتصاد محلی و اتصال‌دهنده بنگاه‌های مختلف محله به یکدیگر به حساب می‌آید. از سویی، الزاماً سرمایه اجتماعی بالا با شرایط اقتصادی مطلوب‌تر همراه نمی‌باشد. بنابر این، در نمونه‌های مشاهده شده مدرکی قابل اتکاء برای قضاوت در مورد اثرپذیری سرمایه اجتماعی فعالان اقتصادی از شرایط اقتصاد فردی یافت

^۷ با توجه به انتخاب مقیاس فاصله‌ای برای سنجش شاخص‌ها، دو ضریب همبستگی اسپیرمن و پیرسون قابل استفاده می‌باشد (دانایی فرد، الوانی و عادل آذر، ۱۳۸۹، ص ۲۳۴). مقایسه نتایج آزمون‌های همبستگی نشان داد که تفاوت بسیار کمی میان نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن (۰.۴۰۱) و پیرسون (۰.۳۹۸) وجود دارد.

نگردید. بنابراین سرمایه اجتماعی مورد بررسی، به صورت ابزاری برای ایجاد امنیت اجتماعی و اقتصادی در راستای حفظ بازار محلی و دستیابی به پایداری در کسب و کار به کار گرفته شد.

نتیجه‌گیری

سرمایه اجتماعی، سازه‌ای پیچیده است که در صورت انتخاب شاخص‌های مناسب و پرسشنامه‌هایی با روایی و پایایی بالا قابل‌سنجش است. تحقیق اثبات نمود که روش‌های سنجش مستقیم مؤلفه‌های اصلی توصیه شده توسط پاتنام و سنجش غیرمستقیم آثار توصیه شده فوکویاما، در محیط محلی از روایی سنجش مفهوم اصلی سرمایه اجتماعی برخوردار است. از سویی محلات غیررسمی به عنوان محلات خودروی شهری که چالشی فراروی توسعه پایدار شهری می‌باشند، دارای کنش‌گرانی هستند که با کم‌ترین هزینه‌ها زمینه پایداری اقتصاد محله را فراهم خواهند ساخت. نمونه‌های جمع‌آوری شده از فعالان اقتصادی حاضر در محله مورد بررسی اثبات نمود که هنجارگرایی بیشتر، اتصال به شبکه‌های اجتماعی که زمینه پشتیبانی شغلی را فراهم سازد و افزایش اعتماد نسبت به قومیت‌های دیگر و کاهش اختلافات نژادی، با بهبود شاخص‌های پایداری اقتصاد محله همراه خواهد بود. به بیانی ساده سرمایه اجتماعی به عنوان مکانیزمی حمایتی در راستای تمایلات و انگیزه‌های فعالان اقتصادی، نقش تسهیل‌کننده روابط اقتصادی و اجتماعی را ایفاء خواهد نمود. این سرمایه، بیشترین آثار را در پویایی و پایداری اقتصاد محله بروز می‌دهد و با اثرگذاری بر ارزشمندی فضاها اقتصادی محله غیررسمی، در طولانی‌مدت باعث افزایش فرصت‌های اقتصادی و توانایی گروه تحقیق خواهد شد. هر چند، اصل رقابت در میان فعالان اقتصادی امری طبیعی است، اما منافع جانبی حاصله از پیشرفت اقتصاد محله، زمینه مناسبی برای اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر همکاری‌های اقتصادی خواهد بود.

پیشنهادات

پیشنهادات کاربردی

- بسترسازی برای افزایش هنجارگرایی در میان فعالان اقتصادی در پایداری اقتصاد محله مؤثر خواهد بود. بنابراین هر اقدامی که زمینه افزایش هنجارهای رسمی مثل قانون‌گرایی و هنجارگرایی غیررسمی مثل یاور بودن را فراهم سازد، به صورت غیرمستقیم در پایداری اقتصاد محله مؤثر خواهد بود. پیشنهاد می‌شود فاکتورهایی که می‌تواند احساس تعلق فعالان اقتصادی نسبت به محله را افزایش دهد، شناسایی شود تا از طریق بهبود این شاخص، هنجارگرایی این گروه نسبت به محله با افزایش همراه باشد.
- شکل‌گیری برنامه‌های مشارکتی و شراکتی میان سازمان‌های شهری و فعالان اقتصادی، زمینه‌ساز افزایش اعتماد خارج‌گروهی و همبستگی درون‌گروهی خواهد شد. بنابراین استفاده هر چه بیشتر از ظرفیت‌ها و سرمایه‌های پنهان اجتماعی گروه تحقیق، ضمانتی است برای پایداری اقتصاد محله.
- اجرای طرح‌های تشویقی که باعث شکل‌گیری مشارکت میان فعالان اقتصادی و ساکنان گردد، بهترین پیشنهاد برای افزایش اعتماد قومیتی و همسایگی است؛ زیرا این اقدامات، زمینه تعاملات و تراکنش‌های مؤثر و مشترک را فراهم خواهد نمود. عدم شناخت صحیح کنش‌گران حاضر در محلات غیررسمی نسبت به یکدیگر، از مهم‌ترین دلایل فقدان اعتماد آن‌ها نسبت به یکدیگر می‌باشد. بنابراین هر برنامه‌ای که با بهبود شناخت کنش‌گران محله همراه باشد، می‌تواند زمینه‌ساز افزایش سرمایه اجتماعی و در نتیجه پایداری اقتصاد محلی باشد.
- نتایج نشان داد که انگیزه گروه تحقیق به کسب منفعت اقتصادی، باعث هدایت سرمایه اجتماعی آن‌ها به سمت پایداری و پویایی اقتصاد محلی است. بنابراین، هر برنامه‌انگیزاننده‌ای که باعث هدایت سرمایه اجتماعی فعالان اقتصادی به سمت پایداری محیطی و اجتماعی محله شود، باعث مصرف بیشتر سرمایه اجتماعی و بازتولید آن در محله خواهد بود.

پیشنهادات پژوهشی

- شناسایی کنش‌گران مختلفی که در فعالیت و حیات روزانه محلات غیررسمی اثرگذارند، یکی از نیازهای تحقیقی در این حیطه می‌باشد. گروه مورد مطالعه به واسطه تمایلات اقتصادی تأثیرات قابل قبولی بر اقتصاد محله داشتند. شناسایی ذی‌نفعان مؤثر در اجتماع و محیط محله و برقراری تعامل و تعادل در به کارگیری سرمایه‌های اجتماعی آن‌ها، قطعاً روشی مناسب برای پایدارسازی تمامی ابعاد حیات محلی خواهد بود. بنابراین طرح‌های پژوهشی که این گروه‌ها را شناسایی نماید و آثار آن‌ها را در محله مورد تحلیل قرار دهد، مورد نیاز طرح‌های اصلاحی شهری خواهد بود.
- عدم سازماندهی و توسعه نیافتگی اجتماعی محلات غیررسمی باعث با اهمیت شدن روابط غیررسمی و تشکلهای مردم‌نهاد است. شناخت عناصر و گروه‌های اجتماعی که بیشترین تأثیرات را در ساز و کارهای این محلات ایفاء می‌نمایند یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازها برای دستیابی به توسعه پایدار محلات غیررسمی است.

منابع

- ازکیا، م. (۱۳۷۹). جامعه شناسی توسعه. تهران: انتشارات کلمه، چاپ اول.
- اکبری، غ. (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی و حکمرانی شهری. فصلنامه تحقیقات جغرافیایی شماره ۸۳، ۱۳۵-۱۵۵.
- الوانی، م. شیروانی، ع.ر. (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی (مفاهیم، نظریه‌ها و کاربردها). تهران: انتشارات مانی، چاپ اول.
- اموری، ت. (۱۳۸۲). اثرات اقتصادی سرمایه اجتماعی. (ت. ن. محمد رضا، تدوین) اندیشه صادق، ۵۶-۶۹.
- پیران، پ. (۱۳۸۱). باز هم در باب اسکان غیررسمی مورد شیرآباد زاهدان. فصلنامه هفت شهر، ۷-۲۵.
- پیران، پ. موسوی، م. ط. شیانی، م. (۱۳۸۵). کارپایه مفهومی و مفهوسازی سرمایه اجتماعی (با تاکید بر شرایط ایران). فصلنامه رفاه اجتماعی، ۹-۴۴.
- حسنوی، ر. پزشکان، ا. (۱۳۸۶). تبیین مفهوم سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه. مدیریت فردا، ۳۵-۴۷.
- دانایی فرد، ح. الوانی، س.م. آذر، ع. (۱۳۸۹). روش شناسی پژوهش کمی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: انتشارات اشراقی.
- ربانی، ر. کلانتری، ص. یآوری، ن. (۱۳۸۳). پدیده حاشیه نشینی و پیامدهای اجتماعی، فرهنگی آن (ارز نان و دارک اصفهان). پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ۱۱۹-۱۵۴.
- سعیدی رضوانی، ن. کاظمیان، غ.ر. (۱۳۸۲). امکان سنجی واگذاری وظایف جدید به شهرداری‌ها - جلد اول: بررسی تحولات نظری و تجارت جهانی. تهران: سازمان شهرداریهای کشور.
- سوری، ع. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی. تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران، ۸۷-۱۰۸.
- سولیوان، ا. (۱۳۸۶). مباحثی در اقتصاد شهری - جلد اول. (ج. قادری، & ع. قادری، مترجم) تهران: انتشارات نور علم.
- شریفیانی ثانی، م. ملکی سعید آبادی، ا. (۱۳۸۵). سرمایه اجتماعی به مثابه یک سیستم پیچیده. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۴۵-۶۵.
- شفیعا، س. (۱۳۸۹). ارتباط ظرفیت اجتماعی ساکنین سکونت‌گاه‌های غیررسمی با توسعه پایدار محله‌ای. تهران: دانشکده مدیریت دانشگاه علامه طباطبایی.
- صرافی، م. (۱۳۸۱). به سوی نظریه ای برای ساماندهی اسکان غیررسمی از حاشیه نشینی تا متن شهرنشینی. فصلنامه هفت شهر، ۳۳-۵.
- عزیزی، م.م. (۱۳۸۰). توسعه پایدار - برداشت و تحلیلی از دیدگاه‌های جهانی. ص ۱۵-۲۷.
- علمی، ز. شارع پور، م. حسینی، س.ا.ح. (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی و چگونگی تأثیر آن بر اقتصاد. تحقیقات اقتصادی دانشگاه تهران، ۲۳۹-۲۶۹.
- غفاری، غ.ر. امیدی، ر. (۱۳۸۸). کیفیت زندگی شاخص توسعه اجتماعی. تهران: انتشارات شیرازه.
- مرکز سکونت‌گاه‌های انسانی سازمان ملل. (۱۳۸۸). شهرها در فرآیند جهانی شدن: گزارش جهانی سکونت‌گاه‌های انسانی ۲۰۰۱. تهران: مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران.
- نوابخش، م. ارجمند سیاه پوش، ا. (۱۳۸۸). مبانی توسعه پایدار شهری. تهران: جامعه شناسان.
- Asadi, Ali; Akbari, Morteza; Shabanali Fami, Hossain; Irvani, Hoshang; Rostami, Farahnaz; Sadati, Abolhasan. (2008). Poverty Alleviation and Sustainable Development: The Role of Social Capital. *Journal of Social Sciences* 4 (3), 202-215.
- Barker, Adam. (2005). Capacity building for sustainability: towards community development in coastal Scotland. *Journal of Environmental Management*, 11-19.
- Bhuiyan, Shahjahan; Evers, Hans-Dieter. (2005). *Social Capital and Sustainable Development: Theories and Concepts*. Bonn: Department of Political and Cultural Change-University of Bonn.
- Buck, Nick. (2005). Social Cohesion in Cities. In *Changing Cities : Rethinking Urban Competitiveness, cohesion and governance* (pp. 44-61). London: PLAGRAVE MACMILLAN.

- Coleman, J. (1990). *Equality and Achievement in Education (1990)*. sanfrancisco: Westview Press.
- Coutts, Jeff; Schäuble, Chloe. (2008). *EXECUTIVE SUMMARY:Evaluation of Capacity Building Activities in BDTNRM Projects*. queensland: australian government(www.bdnrm.org.au).
- Dover Community Association. (2001). *Dover Community Sustainability Project*. Calgary: Dover Community Association.
- Gordon, Ian. (2005). Integrating cities. In N. Buck, I. Gordon, A. Hardon, & I. Turok, *Changing Cities : Rethinking Urban Competitiveness, cohesion and governance* (pp. 78-93) London: PLAGRAVE MACMILLAN.
- Iisakka, Helsinki, Helsingfors. (2006). Social Capital in Finland. *Statistical Review of Finland* , http://www.stat.fi/tup/julkaisut/isbn_950-467-602-2_en.pdf.
- Jozsa, A., & Brown, D. (2005). *Neighborhood Sustainability Indicators Report on a Best Practice Workshop*. Montreal: McGill University.
- Lafond, Anne; Brown, lisanne. (2003). *A guide to Monitoring and evaluation of Capacity Building interverntions in the Health sectgor in developing countries*. Chapel Hill: University of North Carolina.
- Lyberaki, Antigone ; Paraskevopoulos,Christos ;. (2002). 2002-SOCIAL CAPITAL MEASUREMENT IN GREECE-Athens. *OECD-ONS International Conference on Social Capital–Measurement*. London: OECD publication.
- Mukomo, V. (1996). Urban sustaiablity reporting. *Journal of the americian plannin association* , 117-127.
- Narayan, D., & Pritchett, L. (1999). *Social capital: evidence and implications*. Washington: World Bank.
- National statistics. (2003). Young people and Social Capital. *National statistics publication* , <http://www.ons.gov.uk/about-statistics/user-guidance/sc-guide/the-social-capital-project/young-people-and-social-capital---phase-1.pdf>.
- Onyx, J. and P. Bullen. (1998). Measuring Social Capital in Five Communities in NSW: An Analysis. *Centre for Australian Community Organizations and Management , Working Paper Series No. 41*.
- Onyx, J., & Bullen, P. (2000). Sources of social capital. *Social Capital and Public Policy in Australia* , 105-134.
- Putnam, R. (1993). *Making Democracy Work: Civic Tradition in Modern Italy*. Princeton: Princeton University Press.
- Putnam, R. (2000). *Bowling Alone : The collapse and revival of American community*. New York: Simon and Schuster.
- Putnam, R. (1993). The Prosperous Community : Social capital and public life. *The American Prospect* , 11-18.
- Stone, Wendy. (2001). *Measuring social capital Towards a theoretically informed measurement framework for researching social capital in family and community life*. Melborn: Australian Institute of Family Studies.
- UNESCAP. (2001). *What is Good Governance?* Retrieved from [unescap: http://www.unescap.org/pdd/prs/ProjectActivities/Ongoing/gg/governance.asp](http://www.unescap.org/pdd/prs/ProjectActivities/Ongoing/gg/governance.asp)
- Un-Habitat. (2005). *Financing urban shelter*. London: EARTHSCAN Publication.
- Urban Ecology Coalition. (1999). *Neighborhood Sustainability Indicators Guidebook-How To Create Neighborhood Sustainability Indicators in Your Neighborhood*. Minneapolis: Crossroads Resource Center.
- World Bank. (1998). *The Inittiative of Defining, Monitoring and Measuring Social Capital:Overview and program description, Social Capital Initiative Working Paper No. 1*. Washington DC.
- World bank. (2004). *Measuring Social Capital-An Integrated Questionnaire*. Washington D.C.: World bank publication.

- Zhao, Y. (2002). Measuring the social capital of laid-off chinese workers. *Current Sociology* , 71-555.

Relationship between Social capital and sustainable Economic development
The economic activists of Shemiran nou informal neighborhood
Saeed Shafia¹

1- MA Urban Management, School Management Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran
Corresponding Author's E-mail : Iran_ltd@yahoo.com

Abstract

This paper has been designed to assess the impact of social capital on economic sustainable development amongst the economic activists at Shemiran nou informal settlement located at Tehran municipality's fourth region. The research methodology is a kind of surveying , descriptive and analytical and has utilized questioner for data collection.

The Statistical data showed two different methods of social capital assessment can measure this concept correctly and results confirmed that social capital has a positive and meaningful correlation with sustainable economic development. So high social capital is means to increase local economic sustainability and economic motivations of the research group is Reason for this kind of change.

Keywords: Social capital, sustainable economic development, Sustainability of local economy, economical activists, Shemiran nou informal settlement